



آثار باستانی و ارزش های تاریخی

## نخستین زن نقال - شاهنامه خوان ایرانی + تصاویر

نویسنده: شمشاد امیری خراسانی

انتشار: ۲۹ آبان ۱۳۹۴ ۱۴ دقیقه مطالعه



### چکیده مقاله

نقالی و شاهنامه خوانی را با قهوه خانه می شناسند به طوریکه در دوران صفویه قهوه خانه ها، مرکز گردآمدن اهل ذوق و شعر بوده است. رفته رفته و با دخالت شاه عباس در امور قهوه خانه ها و حضور در جمع شاهنامه خوان ها و تبادل نظر با شعرا، به تدریج قهوه خانه ها به جایگاه مناسبی برای قصه خوانان و شاهنامه خوانان تبدیل می شود. ساقی عقیلی معروف به «ندا آفرید» از جمله نقالانی است که از سال ۱۳۷۵ به هنر نقالی به طور حرفه ای روی آورده است. در حالیکه دو سال از ثبت نقالی و شاهنامه خوانی به عنوان میراث معنوی ایران در یون

## پارسیان دژ / آثار باستانی و ارزش های تاریخی



نقالی و شاهنامه خوانی را با قهوه خانه می شناسند به طوریکه در دوران صفویه قهوه خانه ها، مرکز گردآمدن اهل ذوق و شعر بوده است. رفته رفته و با دخالت شاه عباس در امور قهوه خانه ها و حضور در جمع شاهنامه خوان ها و تبادل نظر با شعرا، به تدریج قهوه خانه ها به جایگاه مناسبی برای قصه خوانان و شاهنامه خوانان تبدیل می شود. ساقی عقیلی معروف به «ندا آفرید» از جمله نقالانی است که از سال ۱۳۷۵ به هنر نقالی به طور حرفه ای روی آورده است.

در حالیکه دو سال از ثبت نقالی و شاهنامه خوانی به عنوان میراث معنوی ایران در یونسکو می گذرد، مشکلات ریز و درشت این آیین باستانی ایرانی را تهدید می کند. بسیاری شروع شاهنامه خوانی را از همان دوران زندگی «ابوالقاسم فردوسی» شاعر حماسه سرا، عنوان می کنند و گفته می شود، در زمان فردوسی چهار نقال شاهنامه به این هنر مشغول بوده اند، اما رونق این هنر و نزدیک شدن شاهنامه خوانی به نقالی را از زمان شاهان صفوی که قهوه خانه ها در ایران شکل گرفته اند می دانند.



صاحب نظران نمایش

های ایرانی معتقدند که برای کنکاش پیرامون قدمت نمایش در ایران پیش از اسلام، توجه به نمایش های آیینی، خیمه شب بازی و به خصوص «نقالی» مهم به نظر می رسد و از میان نمایش های غیرمذهبی ایران که تا نیم قرن پیش از بازار گرمی برخوردار بود، باید نقالی را نام برد. بهرام بیضایی در تعریف نقالی می نویسد: «نقالی عبارت است از نقل یک واقعه یا قصه، به شعر یا نثر با حرکات و حالات و بیان مناسب در برابر جمع». نقالی و شاهنامه خوانی را با قهوه خانه می شناسند به طوریکه در دوران صفویه قهوه خانه ها، مرکز گردآمدن اهل ذوق و شعر بوده است.

رفته رفته و با دخالت شاه عباس در امور قهوه خانه ها و حضور در جمع شاهنامه خوان ها و تبادل نظر با شعرا، به تدریج قهوه خانه ها به جایگاه مناسبی برای قصه خوانان و شاهنامه خوانان تبدیل می شود.

پس از مدتی و با رونق یافتن قهوه خانه ها، نقالان؛ برای تناسب فضا با قصه هایی که نقل می کردند، با لباس های مناسب هر قسمت داستان و حرکات مخصوص به خواندن طومارهای مخصوص هر داستان و اشعاری از شاهنامه فردوسی می پرداختند. این روند تا نیم قرن پیش هم ادامه داشت تا اینکه کم کم با تغییرات اجتماعی و فرهنگی گرد فراموشی بر نقالی و قهوه خانه ها پاشیده شد. اما در دوران امروز که قهوه خانه به معنای گذشته وجود ندارد، نقالی هم تغییر شکل پیدا کرده است و از محیط قهوه خانه ها خارج شده و حتی نگرانی هایی برای فراموشی این آیین باستانی وجود دارد.

### سایه فراموشی و ابتذال بر سر نقالی ایران

این روزها چه مشکلی، نقالی ایران را تهدید می کند؟ و نقالی، هنری که تنها در ایران رواج داشته است چه شرایطی دارد؟



«فاطمه حبیبی زاد» معروف به «گردآفرید» از نقالان آموزش دیده در مکتب مرشدان و درویشان است «ساقی عقیلی» معروف به «ندا آفرید» از جمله نقالانی است که از سال ۱۳۷۵ به هنر نقالی به طور حرفه ای روی آورده است. او این روزها در کانادا به سر می برد اما نقالی به زبان انگلیسی را برای مخاطبان غیر فارسی زبان اجرا می کند. او درباره تهدیدهای آیین نقالی می گوید: «هر هنری می بایست مکان و مخاطب برای عرضه داشته باشد، خوشبختانه مخاطب علاقمند فراوان است. اما شوربختانه مکانی دائمی برای این کار در ایران نیست. در حالی «ندا آفرید» فقدان مکان مناسب برای نقالی را یکی از تهدیدهای این هنر می داند که «فاطمه حبیبی زاد» معروف به «گردآفرید» که او نیز از نقالان آموزش دیده در مکتب مرشدان و درویشان است، از «ابتذال» به عنوان یک تهدید برای هنر نقالی یاد می کند.

«گردآفرید» درباره ابتدال در هنر نقالی توضیح می دهد. اما پیش از آن به مرشد «ولی الله ترابی» از نقالان قدیمی اشاره می کند که چند ماه پیش فوت شد: «زمانیکه مرشد ولی الله ترابی فوت شد همان زمان گفتم که درگذشت این مرشد نقالی، یعنی بسته شدن یک پرونده و تمام شدن یک دوران و یک مکتب. چرا که هم اکنون دیگر آن پاتوق، آن پاتوق اصلی نیست، آن مخاطب تغییر کرده است و آن فضا دیگر آن فضای قدیمی نیست. خیلی چیزها عوض شده است ولی در این بین به نظرم نقالی در حال فراموش شدن نیست در حال رفتن به سمت ابتدال است. به شدت مسئله ابتدال را در نقالی و پرده خوانی می بینم. مرشد ولی الله ترابی (زاده ۱۳۱۵ - درگذشت ۱۳۹۲)

او ابتدال در نقالی را اینگونه شرح می دهد: «نقالی روش و سبک اجرای خود را دارد. بر اساس حرکات و بیان مشخص تعریف می شود. تعریف داستان هایی با بن مایه حماسی است. بن مایه کلام حتی اگر درباره موضوعاتی مانند عشق و بزم هم باشد حماسی است.» این زن نقال اضافه می کند: «مثلا فردی نمایش یک نفره اجرا می کند که نام آن پرفورمانس است اما نقالی نیست اما به آن نقالی می گویند. برخی افراد در حوزه تئاتر همه این ها را یکی می کنند یعنی پرده خوانی، روضه خوانی، معرکه گیری و ... را می گویند نقالی. در حالیکه عام مردم خوب می دانند که مداحی چیست؟ روضه خوانی کدام است؟ پرده خوانی چگونه اجرا می شود؟ شمایل خوانی چیست؟ تعزیه خوانی و خنیاگری کدام است؟ و در نهایت به چه چیزی نقالی می گویند؟»



او بار دیگر به مرشد ترابی

اشاره می کند و می گوید: «شاید یک نقال مانند مرشد ترابی همه این ها را هم بلد باشد چرا که او هم نقال بود، هم پرده خوان و هم روضه خوان و ... بود اما این روزها می شنوم که همه این کارها را می گویند نقالی. این ها ابتدال است. همه این ها در فرهنگ عامیانه ایران تعریف دارد.»

«ساقی عقیلی» معروف به «ندا آفرید» از جمله نقالانی است که از سال ۱۳۷۵ به هنر نقالی به طور حرفه ای روی آورده است. ثبت شده در یونسکو به عنوان میراثی در معرض نابودی سال ۱۳۹۰ سازمان یونسکو ضمن ثبت هنرنقالی و شاهنامه خوانی ایران در فهرست میراث معنوی تاکید کرد که نقالی به عنوان کهن ترین شکل از اجرای دراماتیک و زنده که از سوی ایران به کمیسیون میراث معنوی معرفی و در این فهرست ثبت شده، اثری درخطر فراموشی است که

به رسیدگی و حمایت مادی و معنوی فوری نیاز دارد.

گزارش کمیسیون میراث معنوی یونسکو در پنج بند به دلایل ثبت این اثر و شرایط تهدید کننده آن و ضرورت حمایت از آن پرداخته و یادآور شده است که این هنر هم اکنون نیازمند کمک مالی و حمایت های دولتی و گروه های فعال فرهنگی است. مواردی چون، از بین رفتن قهوه خانه های سنتی و کارکرد آن در جامعه، شکل گیری و رواج روش ها و ابزار جدید تفریح و سرگرمی، سالخوردگی مرشدها و بزرگان این هنر سنتی و کاهش جمعیت آن ها در میان نسل جوان، که عامل مهمی در تنزل و کاهش مهارت نقالان شده، مهم ترین دلایلی هستند که از نظر یونسکو ادامه بقای این هنر نمایشی تاریخی و دراماتیک را به شدت در معرض خطر قرار داده است.

هدف مهم از ثبت این اثر در گزارش یونسکو، تشویق مردم و گروه های دولتی به تمرکز برای افزایش آگاهی و اطلاع رسانی در میان نسل جوان جامعه ذکر شده است که از طریق معرفی این هنر با کمک موسسات آموزشی، مدارس و دانشگاه ها این هنر قصه گویی و سبک نمایشی و هنری آن را در میان نسل جوان همچنان زنده باقی بماند. از «ندا آفرید» درباره حمایت های مادی و معنوی از آیین نقالی بعد از ثبت در یونسکو می پرسیم که می گوید: «تا جایی که می دانم هیچ نهاد دولتی از نقالی حمایت نمی کند اما معدود نهادهای غیر دولتی به این کار پرداخته اند اما بسنده نیست.

این نقال زن در پاسخ به پرسش دیگری درباره نقش نقالان در حفظ این میراث معنوی می گوید: «نقالان همواره این میراث را سینه به سینه و گاه مکتوب حفظ و منتقل کرده اند، نقش من نیز سوای این پیشکسوتان دلسوز نیست و نمود این گفته شیوه نقالی من است که با نمایش، آمیخته شده زیرا تصویر جذاب تر و ماندنی تر از گفتار در یادها است به ویژه جوانان استقبال بی نظیری از این شیوه داشته اند.»

«فاطمه حبیبی زاد» معروف به «گردآفرید» از نقالان آموزش دیده در مکتب مرشدان و درویشان است «گردآفرید» هم درباره اینکه «چه نهادی متولی حمایت های مادی و معنوی از نقالی است؟» می گوید: «نهادی برای حمایت از نقالی وجود ندارد. مثل بسیاری از هنرهای سنتی ایران که بدون متولی است، در نقالی هم متولی نداریم. آرشیوسازی مدونی در این حوزه انجام نگرفته است. همه سندها به طور پراکنده در آرشیو افراد مختلف وجود دارد.» او به مثال هایی در این زمینه اشاره می کند و می گوید: «مثلا مرشد «سید مصطفی سعیدی» در روستای یکه دانگه لرستان نقالی می کند یا فرد نقال با تبحری در خراسان زندگی می کرد اما از این افراد هیچ اثری ثبت نشده است یا بسیار کم است. مثلا از مرشد «زیرری اصفهانی» فقط یک صدای کوچک وجود دارد درحالیکه در تاریخ نقالی یکی از افراد بی نظیر بود.»



این زن نقال که چند

سالی است به قول خود دل چرکین از ایران خارج شده است، می گوید: «یک دست صدا ندارد و این موضوع یک همت جمعی طلب می کند. من در آینده تنها کاری که می توانم انجام دهم این است که طومارهای نقالان را سر و سامان دهم و دانشنامه بزرگی که در زمینه نقالی داشته ام را پیش ببرم اما این موارد هم نیازمند حمایت و سرمایه گذار است.»

زنان نقال در ایران؛ از قصه گویی شهرزاد تا نقالی در قهوه خانه ها  
شهرزاد قصه گو را همه می شناسند. داستان سرایی که با روایت ماهرانه خود هزار و یک شب شهریار را مبهوت خود می کند. از شهرزاد که بگذریم، مادران هم بخشی از روایت داستان های کودکی ما بودند که فراتر از سنت ایرانیان، بخشی از فرهنگ جهانی را شکل می بخشند. اما چگونه است که با ریشه های عمیق داستان سرایی زنان در طول تاریخ بشر، نقالی، این شیوه روایی و حماسی که گاهی هم با چاشنی روایت های عاطفی همراه است، عملی مردانه بوده و همواره مرشدها مرد بودند و بچه مرشدها هم مردانی که مرشدهای آینده می شدند.  
نقالی که بیشتر آن را با شاهنامه خوانی می شناسند بخشی از سنت فرهنگ کوچه بوده است. سنتی که به واسطه آن داستان های شاهنامه میان مردم کوچه و قهوه خانه روایت می شد و به دلیل حضور مردان در این محافل به سنتی مردانه تبدیل شده است و شاید به همین علت زن ها نمی توانستند نقشی در بازگویی این روایت داشته باشند.

با شکل گیری نگاه علمی به فرهنگ عامه و طرح مباحث اجتماعی در بازشناخت این بخش از میراث بشری، نقالی از یک اجرای نمایشی عامه به یک ساختار روایی ویژه در هنر نمایش ایران تبدیل شد و به این ترتیب زن ها هم موفق شدند فارغ از حوزه عمومی جامعه نقشی در شیوه اجرای این نمایش داشته باشند.  
هم اکنون زنان زیادی در عرصه نقالی فعال هستند که بخشی از آن ها از هنر متأثر به این آیین روی آورده اند. برخی از افرادی که در تاریخ نقالی تحقیقاتی داشته اند، از همسر فردوسی جزو نخستین شاهنامه خوان زن نام می برند. از سوی دیگر برخی تحقیقات هم نشان می دهد که در سال های انقلاب ایران هم یک نقال زن به نام «فرحناز

کریم‌خانی» در برخی فضاهای عمومی نقالی کرده است.

همچنین با توجه به اینکه طبق برخی اسناد تاریخی اسم «نقالی» حدود چهار قرن است که باب شده است. پیش از آن با نام «خنیاگری» که داستان گویی همراه با ساز و آواز است، شناخته می‌شد به طوریکه برخی معتقدند که تاریخچه نقالی زن ایرانی به دوران ساسانی و فردی به نام آزاده، خنیاگر بهرام گور ساسانی برمی‌گردد. پیش از انقلاب هم زن نقالی به نام بلقیس زندگی می‌کرده است. بلقیس معرکه‌گیری بود که به محله «گارت ماشین» (ایستگاه ماشین دودی) در شوش می‌آمد و نقل می‌گفت. مرشد بلقیس که پیش از انقلاب نقالی می‌کرد و تا چند سال بعد از انقلاب هم کارش را ادامه داد اما نتوانست این کار را برای طولانی مدت انجام دهد. «گرد آفرید» در این باره گرچه نقالی یا خنیاگری زنان در گذشته نادیده نمی‌گیرد و البته به مرشد بلقیس در گفت و گویی که در شماره ۵۳۴ با روزنامه کارگزاران داشت اشاره می‌کند اما در عین حال درباره خود می‌گوید: «من نخستین زنی بودم که در مکتب قهوه خانه، خانقاه و زورخانه تعلیم دیده‌ام. در واقع تا پیش از اینکه من به نقالی روی آورم، هیچ زنی نبوده است که در این مکتب در کنار مرشدها تعلیم دیده باشد. همه می‌دانیم که در گذشته، زنان شرایط اجتماعی آنچنانی نداشتند که بخواهند به این نوع فعالیت‌ها که کاملاً در محیط‌های مردانه انجام می‌شد، وارد شوند و معرکه‌گیری یا نقالی کنند.»

وی اضافه می‌کند: «همیشه طبق سنت، این عصا، این طومار، این فوت و فن به شاگرد پسر یا به فرزند آن مرشد رسیده است اما من سال‌ها به خانقاه و زورخانه برای تحقیق می‌رفتم و البته تنها محقق نبودم بلکه یک مرید هم بودم. از همان سال‌ها کاری که یک بچه مرشد باید انجام دهد را انجام می‌دادم تا اینکه مرشد‌ها پذیرفتند تا میراث خود را به من منتقل کنند و اجازه نامه نقالی هم به من دادند. آنها طوماری نوشتند که من تنها شاگرد زنی بودم که با این افراد آموزش دیدم.»

عقیلی که با نام «ندا آفرید» معروف است نیز درباره نقالی خود می‌گوید: «از کودکی به این میراث هنری بازمانده از دیرباز دلبسته و از همان زمان در میهمانی‌ها نقالی می‌کردم، اما کودکان و غیر حرفه‌ای، از سال ۷۵ به شکل حرفه‌ای به نقالی پرداختم و هنر جویانی را برای نگهداشت این هنر فرهنگی آموزش داده‌ام، همچنین با دو تن از نابینایان نیز آموزش نقالی را تجربه کرده‌ام.»

او درباره نگاه مردانه به آیین نقالی می‌گوید: «از نگاه برخی، نقالی کاری است مردانه اما از دید من کاری است زنانه به دلیل اینکه همواره مادران برای کودکان خود قصه گفته و می‌گویند، همچنین نقالی تنها گفتار نیست، بهره بردن از زبان بدن به دریافت نقل کمک شایانی می‌کند و به همین خاطر مردم در سراسر دنیا با هر زبانی نقالی مرا متوجه شوند.»

این نقال زن می‌گوید: «خوشبختانه نقالان زن بیشتر از مردان هستند و این کار نقالی را شیرین‌تر و دلچسب‌تر می‌نماید. گاهیگاهی می‌شنوم که نقالی خانم‌ها کنسل شده تنها بدین دلیل که زن هستند و این محدودیت‌ها نقالی را به ورطه خطر می‌اندازد، من نیز در ایران با این محدودیت مواجه شده‌ام اما بسیار کم زیرا من تمام نکاتی که موجب می‌شد کارم را کنسل کنند رعایت می‌کردم تا این نشود، زیرا وظیفه داشته و دارم که مردم را با شاهنامه بیشتر آشنا کنم.»

«ندا آفرید» نقالی به زبان انگلیسی هم انجام می‌دهد. او در این باره می‌گوید: «می‌خواستم اثر نقل شاهنامه‌ای را روی انگلیسی‌زبانان را نیز بدانم، در ترکیه و کانادا با استقبال زیادی روبرو شد، به ویژه در کانون قصه‌گویان اتاوا و

همچنین در بین مخاطبان یوتیوب، «فردوسی خود در این زمینه شعری دارد که می گوید: «هرآنکس که شاهنامه خوانی کند/ اگر زن بود پهلوانی کند یا به روایت دیگر هرآنکس که شاهنامه خوانی کند، چه مرد و چه زن پهلوانی کند» (گردآفرید) درباره مشکلات خود به عنوان یک نقال زن به شرق پارسی می گوید: «من در ایران کلاس های شاهنامه و نقالی داشتم که بیشتر هم خانم ها حضور داشتند و به نظر می رسد نقالی زنان هم اکنون در ایران خیلی جا افتاده است به طوریکه حتی شنیده ام در سال های اخیر در مناطق لرنشین و بختیاری زنان شاهنامه خوانی می کنند و آن گرفتاری های قبلی را ندارند.»

این روزها سایه تهدیدهای ریز و درشت بر سر نقالی و شاهنامه خوانی ایران قرار دارد. باید نظاره کرد بعد از گذشت دو سال از ثبت این میراث معنوی در یونسکو که مخصوص ایران است و در کشورهای فارسی زبان دیگر به مانند ایران هیچگاه رونق نداشته است، چه بر سر آن می آید. بار سنگینی که این روزها بر دوش زنان و مردان نقال چه داخل و چه خارج از کشور و همچنین حمایت های دولتی و غیردولتی از این آیین سنتی سنگین تر از گذشته است.

مرجع: <http://url.parsiandej.ir/wingF>

**نوشته های توصیه شده از طرف ما:**

- سیندخت ابدالی (بانو نقال شاهنامه خوان) + تصاویر
- نماهنگ (ویدئو) شاهنامه خوانی بانو سیندخت ابدالی
- گفتگو با سیندخت ابدالی (جوانترین بانو شاهنامه خوان)
- نقالی و شاهنامه خوانی

#### ارجاع به این مقاله

شمشاد امیری خراسانی، «نخستین زن نقال - شاهنامه خوان ایرانی + تصاویر»، پارسیان دژ، ۱۳۹۴.

خواندن مقاله و پیوست های آن در وبسایت پارسیان دژ

نشانی ثابت این نسخه:

<http://parsiandej.ir/articles/1717/pdf/نخستین-زن-نقال-شاهنامه-خوان-ایرانی-تص>

آخرین ویرایش مقاله: ۱۲ مرداد ۱۴۰۵